

یا علی





دانشگاه فردوسی مشهد
دانشکده الهیات و معارف اسلامی
گروه ادیان و عرفان

پایان نامه کارشناسی ارشد

تحقیق و ترجمه کتاب المواقف محمد عبدالجبار نقری

استاد راهنما
دکتر علی اشرف امامی

استاد مشاور
دکتر محمد جواد شمس

دانشجو
صادق تکاور نژاد

تابستان ۱۳۹۱

تقديم:

به پدر و معلم
مرحوم سيد كاظم نعمت زاده

تشکر

بر خود لازم می دانم که تشکر نمایم:

از خداوند باری تعالی که توفیق این کار را عنایت نمود، و در طول مسیر یاری رسان حقیقی من بود تشکر می نمایم. از استاد ارجمندم دکتر اشرف امامی که باعث آشنایی بنده با این شخصیت عرفانی شدند، و با در اختیار قرار دادن منابع مهم تحقیق و مطالعه دقیق و صبورانه پایان نامه و راهنمایی های ارزشمندشان، کمک شایانی به این ترجمه و تحقیق نمودند تشکر می نمایم، و مضافاً بر اینکه آشنایی با ایشان را از الطاف الهی می دانم، که در اینجا فرصت را غنیمت شمرده از تمام مهر و محبت و دلسوزی که نسبت به بنده داشته اند، تشکر می نمایم، که زیارتشان مایه سرور بود و کلامشان شهد معرفت، و اخلاق و منششان کلاس درسی دیگر، و از خداوند برای ایشان و خانواده محترمشان آرزوی بهترین ها می نمایم. همچنین از دکتر شمس مشاور محترم پایان نامه، که با وجود بعد مکان و مشغله هایی که داشتند، مشاوره این پایان نامه را پذیرفتند و در مسیر کار یاری رسان بودند تشکر می نمایم. از استاد فرهیخته و دانشمند جناب علامه فرزاد خوزستانی که در سختی های کار مرا راهنمایی نمودند، و تمام اشکالاتی را که خدمت ایشان عرضه می نمودم، با دقت و صبر و حوصله و محبت جوابگو بودند، تشکر می نمایم؛ مضافاً اینکه از تمام آن تعالیم و معارفی که به من آموزانند و محبت و لطفی که به بنده داشتند، تشکر می نمایم، و از خداوند برای ایشان بهترینها را آرزومندم. از همسر

عزیز و گرامی ام و فرزندانم به خاطر تمام محبت‌هایی که داشتند، و محیطی که فراهم آوردند، و صبر و تحملی که کردند تشکر نموده، از آنها به خاطر تمام با آنها نبودن‌ها عذرخواهی می‌نمایم، و برای آنها بهترینها را از خداوند آرزومندم. از دوست و برادر فرهیخته ام جناب فاضل عباس پور به خاطر مساعدتها و راهنمایی‌های خوبشان در طول کار، تشکر فراوان دارم. از آقای فلاحتی همکار عزیزم و خانم زهرا خانچی و فاطمه خانچی، به خاطر ویرایش‌هایی که بر برخی قسمت‌های پایان نامه داشتند تشکر می‌نمایم. از جناب دکتر محمود فتوحی به خاطر راهنمایی‌های ارزشمندشان تشکر می‌نمایم.

فهرست:

۱۳	مقدمه
۱۴	نفری کیست
۱۷	نفری در آثار دیگران
۱۷	أ- متقدمین
۱۹	ب- متاخرین
۲۰	ت- فارسی زبانان
۲۲	نقد ترجمه دکتر افتخاری زاده
۴۳	سه قرن سکوت
۵۰	مذهب نفری
۵۲	آثار نفری
۵۴	مواقف
۵۵	أ- سبک نوشتار
۵۸	ب- محتوای مواقف
۶۰	ت- علت نوشتن
۶۳	ث- اصطلاحات
۶۳	۱. تعرّف
۶۵	۲. وقفه
۷۰	۳. واقف، عارف، عالم
۷۲	۴. رؤیت
۷۴	۵. حجاب
۷۶	۶. حرف
۷۷	۷. غیر
۷۹	۸. جهل
۸۲	در مورد ترجمه

۸۵.....	خلاصه ای از مواقف
۱۰۳.....	مواقف
۱۰۵.....	۱. موقف عزّ
۱۰۶.....	۲. موقف قرب
۱۰۸.....	۳. موقف کبریا
۱۰۹.....	۴. موقف "تو معنی کون هستی"
۱۱۱.....	۵. موقف "زمان من فرا رسید"
۱۱۳.....	۶. موقف دریا
۱۱۵.....	۷. موقف رحمانیت
۱۱۸.....	۸. موقف وقفه
۱۲۹.....	۹. موقف ادب
۱۳۱.....	۱۰. موقف تسلی
۱۳۳.....	۱۱. موقف معرفت معارف
۱۴۰.....	۱۲. موقف اعمال
۱۴۶.....	۱۳. موقف یادآوری
۱۴۹.....	۱۴. موقف امر
۱۵۵.....	۱۵. موقف مطلع
۱۶۰.....	۱۶. موقف مرگ
۱۶۲.....	۱۷. موقف عزّت
۱۶۴.....	۱۸. موقف تقریر
۱۶۷.....	۱۹. موقف رفق
۱۶۸.....	۲۰. موقف بیت المعمور او
۱۷۱.....	۲۱. موقف "آنچه پدیدار می گردد"
۱۷۴.....	۲۲. موقف "پلک مزن"
۱۷۵.....	۲۳. موقف "و کمر بند را می گشایم"
۱۷۷.....	۲۴. موقف "نامم را مفارقت مکن"
۱۸۰.....	۲۵. موقف "من غایت عزیزانم هستم"

موقف "نزدیک بود او را مواخذه نکنم"...	۱۸۳	۲۶
موقف "مرا عزیزانی است".....	۱۸۶	۲۷
موقف "با مسالت چه می کنی".....	۱۸۸	۲۸
موقف حجاب رؤیت.....	۱۹۰	۲۹
موقف "مرا بخوان و مرا مسالت منما".....	۱۹۲	۳۰
موقف "کشف و حجاب یکسان گشت".....	۱۹۳	۳۱
موقف بصیرت.....	۱۹۵	۳۲
موقف "صفح جمیل".....	۱۹۶	۳۳
موقف "آنچه به گفت ناید".....	۱۹۹	۳۴
موقف "پیمان ولایتت را بشنو".....	۲۰۲	۳۵
موقف "ورای مواقف".....	۲۰۶	۳۶
موقف دلالت.....	۲۱۲	۳۷
موقف "حق وی".....	۲۱۶	۳۸
موقف دریا.....	۲۱۸	۳۹
موقف "و آنگاه رخت بستی".....	۲۱۸	۴۰
موقف "فقه و قلب عین".....	۲۱۹	۴۱
موقف نور.....	۲۲۰	۴۲
موقف "در پیشگاهش".....	۲۰۹	۴۳
موقف "من که هستم و تو که هستی".....	۲۲۲	۴۴
موقف عظمت.....	۲۲۳	۴۵
موقف سرگردانی.....	۲۲۵	۴۶
موقف حجاب.....	۲۲۷	۴۷
موقف جامه.....	۲۳۰	۴۸
موقف وحدانیت.....	۲۳۲	۴۹
موقف اختیار.....	۲۳۵	۵۰
موقف عهد.....	۲۳۸	۵۱

۲۴۲.....	موقف "نزد خود"	۵۲
۲۴۴.....	موقف مراتب	۵۳
۲۴۶.....	موقف سکینه	۵۴
۲۴۹.....	موقف "در پیشگاهش"	۵۵
۲۵۸.....	موقف تمکین و قوّت	۵۶
۲۶۱.....	موقف قلوب عارفان	۵۷
۲۶۷.....	موقف "رؤیتش"	۵۸
۲۶۹.....	موقف حق معرفت	۵۹
۲۷۰.....	موقف "عهدش"	۶۰
۲۷۳.....	موقف ادب اولیا	۶۱
۲۷۵.....	موقف شب	۶۲
۲۷۶.....	موقف "مخضر قداست ناطق"	۶۳
۲۷۸.....	موقف "کشف و بهت"	۶۴
۲۸۳.....	موقف عبدانیت	۶۵
۲۸۶.....	موقف "وقوف کن"	۶۶
۲۸۹.....	موقف "مخضر و حرف"	۶۷
۳۰۰.....	موقف موعظه	۶۸
۳۰۳.....	موقف "گذشت و کرم"	۶۹
۳۰۵.....	موقف قوّت	۷۰
۳۱۰.....	موقف اقبالش	۷۱
۳۱۲.....	موقف درگذشت زیبا	۷۲
۳۱۸.....	موقف "لرزه بر اندامها"	۷۳
۳۱۹.....	موقف عبادت وجهیه	۷۴
۳۲۵.....	موقف برگزیدگی	۷۵
۳۲۶.....	موقف اسلام	۷۶
۳۲۸.....	موقف کنف	۷۷
۳۳۳.....	پیشنهادات	

توضیح برخی اصطلاحات عرفانی.....۳۳۵

منابع.....۳۴۴

مقدمه

"اتزعم انك جرم صغير و فيك انطوى العالم الاكبر"^۱ در عرفان و تصوف اسلامی چهره های شگرفی پا به عرصه وجود نهادند که هر کدام جهانی بس شگرف را از رابطه انسان و خدا برای ما به تصویر کشیده اند، در این میان "نفری" عارف قرن چهارم، با وجود گمنامی اش در میان متصوفه و غیر متصوفه، اندیشه ها و جهانی که در آثارش به رؤیت می آورد چون خورشیدی عالم تاب در آسمان رخشان تصوف اسلامی خودنمایی می کند. آثار وی عمدتاً شامل مکاشفات و از نوع آثار وجدی و شهودی می باشد، که خداوند وی را در فضایی استعلایی که از آن به "وقفه" یاد می شود برده، و در آن به تعلیم وی می پردازد، و پرده از حقایق و رخسار خود در برابر او بر می دارد، و سالک پس از بازگشت از این فضای استعلایی، آن مکاشفات و مشاهد و مرانی را که مجاز به اظهار و بیان آنهاست به امر پروردگار به نوشتن می آورد. آن نوشته ها در زمان حیات و پس از مرگ وی، توسط نوه دختری اش جمع آوری شده و بدون ترتیب زمانی به این صورتی که در حال حاضر در دست ماست، تالیف می شود. علی رغم گستره و عمق منظومه فکری مطرح شده در آثار نفری، این عارف سترگ و اندیشه هایش در ایران گمنام می باشد. این پایان نامه قصد دارد ضمن معرفی نفری و آثار وی، ترجمه ی فارسی کتاب "المواقف" را که اثر مهم نفری می باشد ارائه نماید.

^۱ - شعر منسوب به امام علی علیه اسلام. کاشانی، فیض. "الصفای فی تفسیر القرآن". انتشارات صدر ۱۴۱۵ه.ق. ج ۱ ص ۹۲

نَفَری کیست؟

در مورد "نَفَری" و حیات وی اطلاع دقیقی در دست نیست، و هرآنچه هست حاصل اندک نوشته های "عفیف الدین تلمسانی" (۵۶۹۰.ق)، شارح "مواقف" نَفَری، در مورد نَفَری است که محمد عبدالجبار نَفَری در جایی سکنا نمی گزید و خود را به کسی معرفی نمی کرد و مذکور است که در بعضی از روستاهای سرزمین مصر وفات یافته است^۱.

ابن عربی، نخستین کسی است که پس از سه قرن سکوت در مورد وی، از او در نوشته های خود یاد می کند، و تلمسانی، شارح کتاب *مواقف نَفَری*، او را با نام محمد عبدالجبار نَفَری خوانده اند، لیک این نام برای صاحب *مواقف صائب* نمی آید. آنچه که درست می نماید آن است که نام وی ابو عبدالله محمد بن عبدالله نَفَری بوده است، و این بدین خاطر است که خود شارح *مواقف*، تلمسانی، در شرحش بیان می دارد که شیخ خود دست به تالیف *مواقف* نزده است، بلکه وی مکاشفات خویش را بر جزواتی می نگاشت، و نوه وی آنها را گردآوری نموده، و بدون ترتیب زمانی آنها را بدین صورت تالیف نموده است^۲، و دیگر اینکه بروکلیمان در نقل از نسخه خطی *مواقف* در کتابخانه "ایا صوفیا" که آربری بدان دسترسی نداشت، چنین می گوید: آنچه محمد بن عبدالجبار بن الحسن النَفَری البصری، از کلام شیخش ابو عبدالله محمد بن عبدالله النَفَری در ۷۷ موقوف صوفیه شنیده است که اول آن "العز" است و آخر آن "الکنف"

^۱ - تلمسانی عفیف الدین. "شرح *مواقف النَفَری*". تصحیح جمال مرزوقی. الهیئه المصریه العامه للکتب. ۲۰۰۰. ص ۲۵۹

^۲ - تلمسانی ص ۲۵۹

می باشد در سال ۳۵۲ نوشته است. و دلیل سوم بر این مطلب آن است که در "باب خواطر" از کتاب نصوص غیر منشوره، از آثار نفّری، چنین آمده است: این باب خواطر از کلام محمد بن عبدالجبار النفّری بن الحسن البصری می باشد، که از مصاحبت شیخ زاهد سائح محمد بن عبدالله شنیده است.^۱

او را از آن جهت که جایی سکنی نمی گزید شیخ سائح و از آن جهت که در مصر زیست نموده است، مصری و اسکندری، و از آن رو که منتسب به شهر یا قریه نفّری بوده است، نفّری گفته اند. "نفّری"، شهر یا قریه ای واقع در ساحل شرقی فرات از نواحی بابل در نزدیکی کوفه بوده است. این شهر به تصریح یاقوت حموی همان شهر نیپور، پایتخت دینی سومریان، در چهارهزار سال پیش از میلاد مسیح است. عبادتگاه مشهور "اکور" که محل عبادت "انلیل" -خدای هوا و خدای خدایان- بوده در آنجا قرار داشته است.^۲

در مورد سال مرگ نفّری دو نظر اصلی مطرح است، سال ۳۵۴ و سال ۳۶۶ هجری قمری. با توجه به آن بخش از نصوص وی که به خط خود نفّری به سال ۳۵۹ در بصره نوشته شده است^۳ تاریخ ۳۵۴ پذیرفتنی نمی نماید و بنا بر اینکه بعضی از الهامات وی مربوط به سال ۳۶۶ است^۴، قول اصح در وفات وی **بعد از** سال ۳۶۶ می باشد.

^۱ - دیرکی هیفرو محمد علی. "جمالیة الرموز الصوفی". التکوین للتالیف و الترجمة و النشر. دمشق ۲۰۰۹. ص ۷۶

^۲ - عباسی حبیب الله - "معرفت و جهل در منظومه فکری محمد بن عبدالجبار نفّری" - نشریه علوم انسانی دانشگاه الزهراء - شماره ۶۲ و ۶۱ - ۱۳۸۶. ص ۱۸۴

^۳ - نفّری محمد عبدالجبار. "نصوص غیره منشوره". تصحیح پل نويا - دارالمشرق بیروت ۱۹۷۳. ص ۲۸۹

^۴ - نويا پل - "تفسر قرآنی و زبان عرفانی" - ترجمه اسماعیل سعادت - مرکز نشر دانشگاهی تهران ۱۳۷۳. ص ۲۹۸

بسیاری از منابع محل مرگ وی را در مصر دانسته اند، که بر گرفته از گفته تلمسانی می باشد^۱، لیک برخی محققان این امر را حاصل التباس نام نیل بر تلمسانی دانسته اند، اینکه در قطعه ای از مواقف آمده است که آنرا بر ساحل نیل نوشته است، و آنان با استناد به یاقوت حموی این التباس را آشکار می سازند که نهری به امر حجاج بن یوسف ثقفی کنده شده است که آن را نیل عراقی نام نهاد، و مصادر نیز اشاره بر این دارد که نهر بر نیل عراقی قرار دارد^۲.

^۱ - تلمسانی. ص ۲۵۹

^۲ - دیرکی. ص ۷۸-۷۹

نفری در آثار دیگران

الف - متقدمین

قرن چهارم، قرنی که نفری در آن زیست و وفات یافته است، چهار کتاب مهم صوفیانه نگاشته شده است: کلابازی (۳۸۰ت) صاحب کتاب "التعرف لمذهب التصوف"، ابوطالب مکی (۳۸۶ت) صاحب کتاب "قوت القلوب"، ابونصر سراج طوسی (۳۷۸ت) صاحب کتاب "اللمع"، و ابو عبدالرحمن سلمی (۴۱۲-۳۲۵) صاحب کتاب "طبقات الصوفیه". جای بسی شگفتی است که به هیچ وجه نامی از نفری در هیچ یک از این کتب اربعه نیامده است، و همچنین قشیری (۴۶۵-۳۷۹) در رساله اش که قریب به هشتاد سال پس از مرگ نفری نگاشته است نیز اشاره ای به نفری نمی نماید، در حالی که وی دهها شخصیت از صوفیانی را نام می برد که هیچ اثر مکتوبی از خود به جای نگذاشته بودند^۱. همچنین کسانی چون ابونعیم اصفهانی (۴۳۰ت) در "حلیة الاولیاء"، هجویری (۴۶۵) در "کشف المحجوب"، فیروزآبادی (۷۲۹-۸۱۷) در "القاموس"، آنگاه که انساب نفر را بر می شمرد، سمعانی (۵۰۶-۵۶۲) در "الانساب" و یاقوت حموی (۶۲۶) در "معجم البلدان" آنگاه که از نفر یاد می کند، نامی از نفری برده نمی شود^۲.

ابن عربی، پس از سه قرن، اول کسی است که نفری را معرفی می نماید، ابن عربی ۶ بار در فتوحات و ۲

^۱ - یوسف سامی یوسف. "مقدمة للنفری". دارالینابیع. دمشق ۱۹۹۷. ص ۲۴

^۲ - دیرکی. ص ۷۷

بار در رسائلش از او یاد می‌کند^۱. و پس از ابن عربی از قرن هفتم به بعد نام نفّری نامی متداول میان متصوفه قرار می‌گیرد. عقیف الدین تلمسانی (۶۱۰-۶۹۰) مواقفش را شرح می‌نماید و عبدالحق بن سبعین (۶۱۳-۶۶۹) در "الرسالة الفقیریة" از او یاد می‌کند^۲ و ابن عطاء الله اسکندرانی (ت ۷۰۹) در "لطائف المنن" یاد می‌کند که اصحاب ابی الحسن شاذلی کتاب مواقف را می‌خواندند^۳ و عبدالرزاق کاشانی (ت ۷۳۰) در کتاب "لطائف الاعلام فی اشارات اهل الالهام" از او و کتابش یاد می‌کند و عبدالوهاب شعرانی در "الطبقات الکبری" وی را امامی خیره در تمام علوم بر می‌شمرد و اشاره می‌کند که ابن عربی از وی برگرفته است^۴ و زین الدین محمد عبدالرئوف المناوی (۹۵۲-۱۰۳۱) آنچه شعرانی گفته را بیان می‌کند^۵ و حاجی خلیفه در کتاب "کشف الظنون"^۶ او را محمد بن عبدالجبار بن الحسن النفّری متوفی ۳۵۴ معرفی می‌نماید و شرح تلمسانی را نیز ذکر می‌نماید و نام جدش را حسن عنوان می‌کند^۱. ابوالحسن ششتری^۲ (ت ۶۵۰) در

۱ - ابن عربی. الفتوحات: (ج ۱ ص ۲۳۸ و ص ۳۹۲ و ص ۶۱۳) (ج ۲ ص ۱۴۲ و ص ۱۰۹) (ج ۳ ص ۱۴۷). (رسالة منزل القطب و مقامه و حاله ص ۱۳). (التجلیات الالهیة ص ۳۷۸).

۲ - ابن سبعین محمد عبدالحق. "رسائل بن سبعین- رسالة الفقیریة". تحقیق عبدالرحمن بدوی. الدار المصریة للتالیف و الترجمة بی تا. ص ۱۵.

۳ - اسکندرانی ابن عطاء الله. تحقیق عبدالخلیم محمود. دارالمعارف. قاهره چاپ دوم. بی تا. ص ۹۶.

۴ - شعرانی عبدالوهاب. "الطبقات الکبری". مطبعة العامرة الشرفیة. مصره ۱۳۱ هـ ق. ج ۱ ص ۱۷۱.

۵ - مناوی عبدالرئوف. "الکواکب الدریة فی تراجم الساده الصوفیة" - دارالکتب العلمیة لبنان ۲۰۰۸. ج ۱ ص ۶۶۴.

۶ حاجی خلیفه. "کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون". مطبعة المعارف الجلیلة بیجا ۱۹۴۳. ج ۲ ص ۱۸۹۱.

سخنی از سلسله سند طریقه سبعینیه، نفّری را از مشایخ آن بر می شمرد^۱ و در منظومه مشهوری که الهامی فوق تاریخی، از حلقه های پیونددهنده عرفان اسلامی به دانایان هرمسی یونان است، از او در زمره "بندگان عشق" آیین هرمسی مانند هرمس، سقراط، افلاطون، ارسطو، ذوالقرنین، حلاج، شبلی، سهروردی، ابن فارض، ابن سینا، غزالی، ابن رشد نام می برد^۲. بر مواقف نفّری غیر از شرح تلمسانی شرح دیگری نیز وجود دارد که از آن عبدالرئوف المناوی (۱۰۳۱ت) به نام "الواقف علی شرح المواقف" می باشد^۳. همچنین ابن قضیب البان (۹۷۱) به تقلید از نفّری کتاب "المواقف الالهیه" را نگاشت که همانند نفّری با اوقفنی و قال لی هر موقف آغاز می گردد، و میان عالم و عارف همچون نفّری تمییز قایل می شود^۴.

ب - متاخرین

در دوره معاصر، آربری اولین کسی است که نفّری را ضمن مقاله ای در مجله ثقافّة الاسلام، سال ۱۹۳۰ به جهانیان معرفی می کند و چهار سال بعد، با مقابله هفت نسخه دو اثر ماندگار، مواقف و مخاطبات را با مقدمه مبسوط درباره زندگی، آثار و افکار او به زبان انگلیسی و ترجمه این دو کتاب به آن زبان چاپ

1 - دیرکی. ص ۷۵

2 - گاهی به اشتباه وی را شوشتری می خوانند، در حالی که ششتر از مناطق آندلس به شمار می آید و شوشتر خوزستان نمی باشد.

3 - مرزوقی. ص ۱۶

4 - نویا. ص ۲۹۹

5 - مناوی. ج ۱ ص ۵۳ و ۶۶۴

6 - مرزوقی جمال. "فلسفة التصوف محمد بن عبدالجبار النفّری". دار التنویر للطباعة و النشر و التوزیع بیروت ۲۰۰۹. ص ۳۷

می‌کند، حدود پنجاه سال بعد پل نوینا نیز بخش‌های دیگری از نوشته‌های وی را در کتاب "نصوص غیره منشوره" منتشر می‌کند^۱، و در کتاب "تفسیر قرآنی و زبان عرفانی" خود در قسمت نمادپردازی صوفیان، به آثار نفّری می‌پردازد. در جهان عربی معاصر، نفّری و آثارش مورد توجه برخی ادیبان و محققان و دانشگاهیان واقع شده، و آثاری در زمینه معرفی نفّری و اندیشه‌هایش صورت گرفته است، هرچند که در مقایسه با عظمت اندیشه‌ها و شخصیت این عارف بزرگ اندک است. از جمله آنها می‌توان به این‌ها اشاره نمود: "مقدمة النفّری" یوسف سامی الیوسف، "التجريد و التوحيد عند النفّری" جمال مرزوقی (رساله دکتری)، "فلسفة التصوف محمد بن عبد الجبار النفّری" جمال المرزوقی، "جمالیة الرمز الصوفی" هیفرو دیرکی، که فصلی را به نفّری اختصاص داده است، "کتاب النطق و الصمت، نصوص صوفیة للشیخ الامام محمد بن عبد الجبار النفّری" تصحیح محمد قاسم عباس، "مواقف النفّری بین التفسیر و الاستهلام" یحیی الرخاوی و ایهاب الخراط، "حکمة الروح الصوفی" میثم الجنابی که در بخشی از کتاب به نثر اسرار آمیز مواقف می‌پردازد، "الصوفیه والسوریالیة" ادونیس، که فصل زیبایی در مورد نفّری در آن نوشته است.

ج- فارسی زبانان

نفّری در میان فارسی زبانان بسیار ناشناخته است و در مورد وی آثار بسیار اندکی تالیف شده است، که آنها را بر خواهیم شمرد: مقاله "معرفت و جهل در

^۱ - عباسی. ص ۱۸۵-۱۸۶